

نگارش آقای مصطفوی

آثار باستان

نقش و رستم

۱ - آرامگاه داریوش بزرگ

بفاصله شش کیلومتر در شمال غربی صفت تخت جمشید قسمتی از کوهستان موسوم بحاجی آباد دازای جنبه تاریخی فوق العاده مهم و جالبی میباشد زیرا از دوره های اولیه عیلام جایگاه مقدسی بوده و صورت خدایان عیلامی را بر آن حجاری کرده بودند. حجاریهای عالی و متعدد در نقش رستم موجود میباشد مثلاً در اینجا این نکته را باید گفت که يك نقش برجسته ای از دوره عیلام در سمت مغرب کوه حاجی آباد وجود داشته و حجاریهای آن مشتمل بر صورتهای ذیل بوده است:

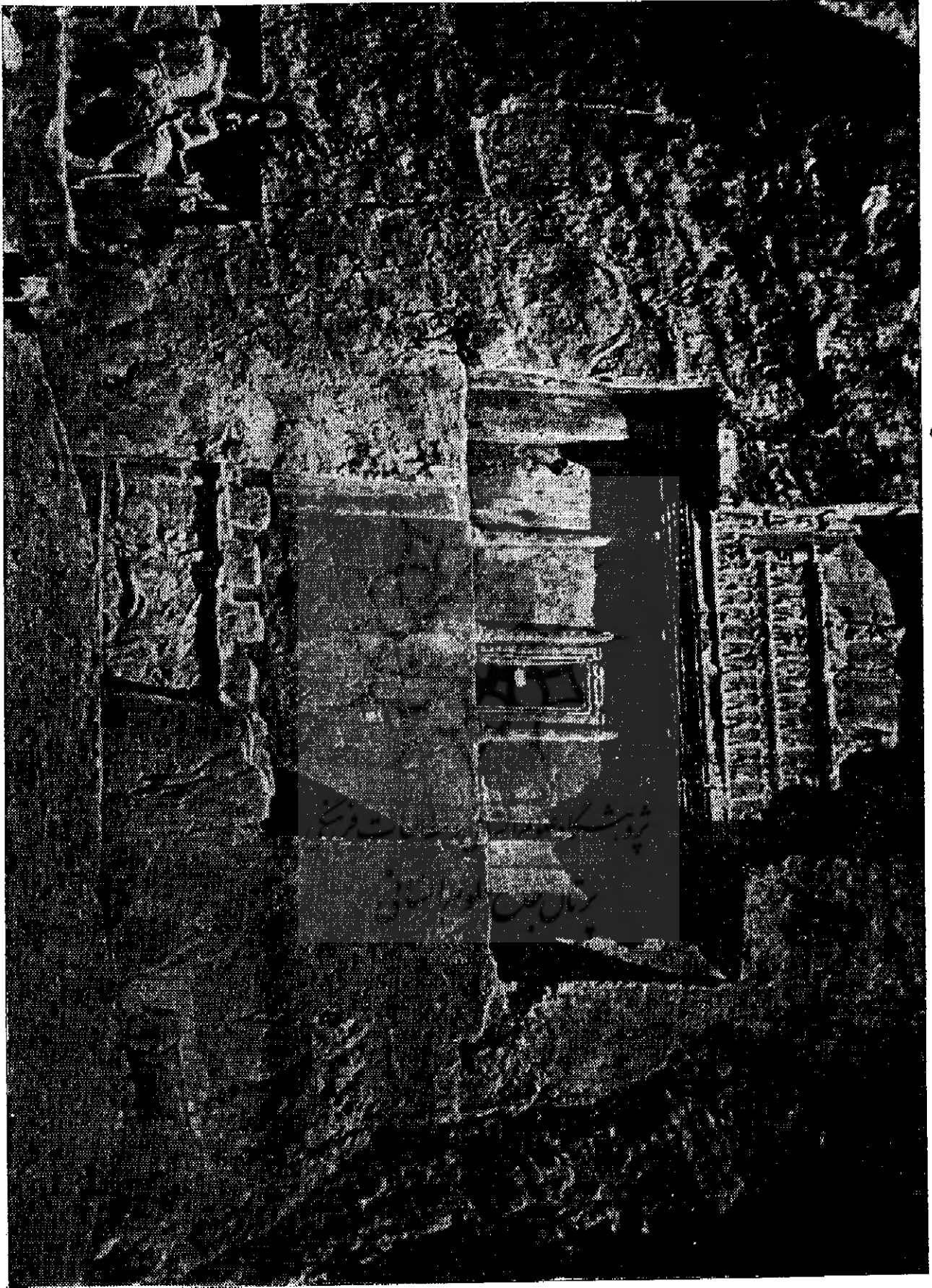
دو خدا بالباسهای سومری بر روی تختی که پایه های آن بصورت مارهای پیچیده نمایش داده شده است نشسته و در سمت راست و چپ آنها اشخاص دیگری ایستاده بوده اند که اکنون پیکر کامل یک نفر از طرف راست حجاری و سر يك زن در سمت چپ لوحه مزبور باقیمانده و قسمت اصلی و وسط آن در زمان بهرام گور پادشاه ساسانی محو گشته و بجای آن پیکر شاهنشاه مزبور و درباریان اش احداث گردیده است و اکنون بطور محو بعضی از قسمت‌های پائین نقش قدیمی بزحمت نمودار است. تاریخ حجاری مزبور ممکن است ۲۴۰۰ سال و یا بین ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد باشد و طبق گفته دانشمندانی که آثار مزبور را دیده و بررسی نموده اند از موقعیت این کوهستان و واقع شدنش بر کنار رود خانه ای که اکنون خشک است میتوان فهمید که این محل نقطه مقدس و پرستشگاهی بوده و آئین عیلامیان در آن زمان تاجلکه مرودشت و استخر تسلط داشته است.

بنابر آنچه گذشت ملاحظه میشود که يك قسمت از کوه حاجی آباد مانند کوه بیستون جایگاه مقدسی بوده و مخصوصاً وجود يك آتشگاه در آنجا که متعلق بقبل از عهد داریوش است این مطلب را بهتراثبات و تأیید مینماید و بهمین ملاحظه داریوش کبیر نیز آنرا برای احداث آرامگاه خود انتخاب نمود خصوصاً که این نقطه بفاصله شش کیلومتری شمال غربی تخت جمشید واقع و وضع طبیعی آن به قسمی است که برای احداث دخه های بلند مناسب و مهیا میباشد.

چنانکه در قسمت مربوط بآرامگاه کورش گذشت شهریار مزبور مقبره خود را مانند دخه های لیدی احداث نموده لکن داریوش این عمل را پیروی نکرد و آرامگاه خود را بسبک دخه های مادی ساخته و بوسیله کندن و سوراخ نمودن کوه آرامگاه خویش را ترتیب داده است.

این دخه بطوری که در گراور ملاحظه میشود داریوش را برفراز تختی نشان داده و برویش آتش فروزان و بر بالای سرش مظهر اهورامزدا حجاری شده است بر زیر تخت دوردیف حجاری شامل ۲۸ نفر که هر کدام نماینده یکی از ملل تابعه ایران هستند دیده میشود. اهمیت مخصوص حجاریهای این دخه بواسطه دارابودن کتیبههای فراوان و منحصر بفرد آن است زیرا بر بالای سر هر يك از حجاریهای زیر تخت نام ملیت و سرزمین وی معرفی گشته و بدینوسیله راهنمای روشن و خوبی بجهت حجاریهای تخت جمشید بوجود آمده است، مابین چهار ستونیکه بر زیر تختگاه داریوش حجاری شده کتیبه های مفصل مشتمل بر نیایش آهورامزدا و زندگانی داریوش و غیره بخطوط میخی نقر گردیده و در میان آنها درب ورود بدخه تعبیه شده است. در داخل دخه دالان طولانی در جلو ونه (۹) جایگاه سنگی در عقب احداث گردیده و هر جایگاه دارای تخته سنگ يك پارچه مستطیلی بوده که پس از نهادن جسد در جایگاه ابدی آنرا برویش قرار میداده اند.

منقول است که چون دخه داریوش باتمام رسید این پادشاه خواست آنرا بازدید کند و چون دیدن دخه قبل از فوت کار خوبی بنظر نیامد و طبق عقاید مردم ممکن بود



دختره دار به شهر

باعث اتفاق و حادثه شومی بجهت شاهنشاه گردد لذا پدرش و یشتاسب را برای دیدن آرامگاه خود فرستاد و و یشتاسب در ضمن صعود بدخه پرت شد و فوت نمود و بدینوسیله عقیده اینکه دیدن دخه قبل از فوت پسندیده نیست تأیید گردید .

غیر از دخه داریوش سه عدد دخه بزرگ دیگر نیز شبیه آن در همان نقطه کوه حاجی آباد توسط خشایارشا و سایر شاهان هخامنشی احداث گردیده و درون آنها از ۳ الی ۹ جایگاه احداث نموده بودند و بهمین مناسبت نقش رستم را قبرستان شاهان هخامنشی معرفی کرده اند . در دوره های نادانی و غفلت دخه داریوش مانند دخه های دیگر متعددی که در مجاورت آن ساخته شده بود مورد خرابی و تجاوز قرار گرفته و درش را با استحکام تمامی که داشته کنده اند و اکنون در داخل آن جز حفره های سنگی و تخته سنگهای عظیم دهانه آنها چیز دیگری باقی نمانده است . در ضمن عملیات اخیری که در تخت جمشید نموده اند نقش رستم نیز مورد کاوشهای زیاد قرار گرفته و باروی اطراف محوطه جلو آرامگاه که تمام آن فضای مقدسی بوده و ساختمانهای متعلق بآنها کشف و نمودار گردیده است . (۱)

۲ - حجاری شاپور اول

شاهنشاهان سلسله ساسانی که با احداث حجاریها و نقوش خود علاقه مند بوده و در نتیجه داشتن همین ذوق آثار نفیسی از خود بیادگار گذاشته اند نقش رستم را برای نمودن پیکر های خود محل شایسته دیده و حجاریهای فراوانی در قسمت پائین کوه احداث کرده اند .

در نقش رستم نمونه های زیبا از نقوش برجسته عهد ساسانی موجود و یادگارهایی از اردشیر بابکان و شاپور اول و بهرام گور و نرسی بر روی سنگ باقی است و بنابراین دیده میشود آن قطعه از کوهستان حاجی آباد که در دوره های عیلام و هخامنشی جایگاه مقدسی بوده است و شاهان سلسله اخیر الذکر مقابر خود را در آن احداث نموده اند در عهد ساسانی نیز جلوه گاه پیکرها و نقوش برجسته زیبای شهریاران تجمل دوست ساسانی بوده است .

گراوریکه بر روی یکی از تابلوهای ده گانه منظور دیده میشود شاپور اول شهریار ساسانی را سوار اسب و در کمال جلال و شکوه مینمایاند و والرین امپراطور روم را که اسیر شاپور شده در حال زانو زدن جلو اسب این شهریار برای تقاضای اعطای آزادی و بازگشت بکشور خود نشان میدهد. در جلو اسب شاه یکی از همراهان والرین ایستاده و در عقب شاپور یکی از درباریان شاه دیده میشود که بحال احترام ایستاده و انگشت ابهام خود را مطابق معمول و سبک آن زمان جلو بینی خم کرده است. نصف بالای بدن شخص اخیر الذکر بر روی حجاری نمایانده شده و بجای باقی پیکرش صفحه مربع مستطیلی که دارای کتیبه ای بزبان پهلوی است احداث نموده اند.

کتیبه مزبور بر اثر سائیدگی و خرابی و ریختگی زیاد آسیب فراوان دیده و آنچه از آن تاکنون معلوم گشته اینست که یکی از حکام قلمرو فارس بعد از شاپور آنرا برای معرفی شهریار مزبور احداث نموده و عناوین و القاب شاپور را در آنجا نام برده است داستان اسارت والرین بدست شاپور در چند جا حجاری شده لکن بنابر آنچه محققین گفته اند وهم اکنون مشهود است حجاری این شهریار در نقش رستم از همه جا بهتر و عالی تر احداث شده و محفوظ تر و سالم تر نیز مانده است.

(۱) مربوط بدخه داریوش

دخه های پادشاهان هخامنشی تا اواخر روزگار پادشاهی فتحعلی شاه قاجار هنوز دست نخورده و سالم مانده بود. پس از آنکه دخه ارغون پادشاه مغل در حدود زنجان کشف شد و چیزهای گرانبهائی از آن بیرون آوردند، حسنعلی میرزای فرمانفرما والی فارس پسر فتحعلی شاه بطمع آنکه از کشودن دخه ها ثروتی بدست آورد دستور داد سنگها را شکستند و لسی چیزی بدست نیامد و از این کار نیز جز شرمساری و بدنامی ابدی نتیجه ای عاید او نشد.

« مجله آموزش و پرورش »



غلبه شاهپور اول بر والرین - نقش رستم

اقتباس از کتاب « ایران در زمان ساسانیان » تألیف آقای کریستنسن دانمارکی و ترجمه آقای رشید یاسمی استاد دانشگاه . نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« تصویر عظیمی در نقش رستم از شاهپور دیده میشود که با اشاره شاهانه ، امپراطور مغلوب را امان میدهد . تفصیل آن تصویر از این قرار است : شاهنشاه سواره فرامیرسد . اسبش دست راست را برداشته است . بر فراز تاج کنگره دار شاه گوی منسوج سابق الذکر بقدری بالا رفته که مجبور شده اند در حاشیه سنگ برای جای آن نیم دایره بتراشند . انتهای ریش انبوه مجعد او در حلقه ای فشرده شده است . کیسوی مجعد شاه در پشت سر نمایان است . بر پشت او نوارهایی که جزء لباس سلطنتی است با چین های متوازی نمودار است . شاه نیم تنه تنگی پوشیده و شلوار او بر روی ساق چینی خورده است . شاه کردن بند و کوشواری دارد و راست بر زمین مرصع نشسته با دست چپ قبضه شمشیر را گرفته و دست راست را به علامت بخشایش بجانب والرین که در مقابل وی زانو زده دراز کرده است . امپراطور هنوز بر کنگ غار بر سر دارد . عبای رومی پشت او در اهتزاز است و معلوم میشود که با کمال عجله شتافته است تا خود را بیای شاهنشاه بیفکند در کمال خشوع زانوی راست را خم کرده و زانوی چپ را بر زمین تکیه داده هر دو دست را بسوی شاه دراز کرده و امان میخواهد . در کنار او شخصی ایستاده که او نیز لباس رومی »

برای سایر تفصیلات و اطلاع بر بسیاری از مطالب سودمند دیگر به اصل کتاب مراجعه کنید .